وصیتنامه شهید ذوقعلی شمسی منفرد

پيام نه تنها من بلکه تمامي شهدا اين است که راه شهيدان را ادامه دهيد.

و قاتلوهم حتی لا تکون فتنه

اي جوانان، اي مردم، اي آنهايي که توانايي شرکت در جبهه را داريد، مبادا در خواب ذلت بميريد که حسين(ع) در ميدان نبرد شهيد شد. اي مادران مبادا از رفتن فرزندانتان به جبهه جلوگيري کنيد. فردا در محضر خدا نمي توانيد جواب زينب سلام الله عليه را بدهيد که داغ 72 تن شهيد تحمل کرد.

اي پدر عزيزم براي آخرين بار پر معني ترين سلام را از کربلاي ايران بپذير و افتخار کن فرزندت سرباز امام زمان بوده و عاشقانه جان داد. پدرم ببخشيد که رنج زياد کشيدي تا مرا بزرگ کردي ولي اين را بدانيد که من همه شما را دوست داشتم و مي خواستم کاري کنم که شما را خوشحال کنم و چه خوشحالي بهتر از اين که در روز قيامت رو سفيد خواهي بود.

مادر گرامي ام سلام سلامي به گرمي تابستان جنوب آن جنوبي که هنگام جان دادن بچه ها،ئ مادر بچه هاست چون که کسي جز خاک گرم جنوب نيست تا دم آخر پيکر غرق به خونشان را در بغل گيرد و مادر جان همينطور شما هم مرا ببخشيد که رنج فراوان کشيدي تا مرا بزرگ کردي اميدوارم که از فراق من ناراحت نباشی چون من راه را خودم انتخاب کردم و رفتن را شيرين تر از عسل دانستم.

خلاصه براي آخرين بار مرا حلال کنيد و اين را بدان فرداي قيامت پيش زينب کبري و فاطمه زهرا رو سفيد خواهي بود. برادرانم و خواهران عزيزم اول سلام. اي عزيزان من همگي شما را دوست داشتم و ببخشيد که من نتوانستم از شما حضوري حلالي بطلبم. اميدوارم که در اين دم آخر مرا ببخشيد و شما اي مردم و آشنايان و دوستان و فاميل ها همگي مرا ببخشيد و من کوچکتر از آن هستم که به شما توصيه و وصيتي کنم ولي پيام نه تنها من بلکه تمامي شهدا اين است که راه شهيدان را ادامه دهيد.